

Reflection of Greed and Money Worship in the Press of the Qajar Era (1304-1339 AH)

Mohammad Salmasizadeh , Zahra Ghaffarzadeh *

1. Associate professor ,Department of History, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

msalmasizadeh@tabrizu.ac.ir

2. Phd student of Iran Islamic history, Department of History, University of Tabriz,, Iran (corresponding author) zahraghaffarzadeh5@gmail.com

Received: 2024/08/25

Received in revised form: 2024/08/25

Accepted: 2024/09/01

Published: 2024/09/01

Abstract

The Qajar period is considered one of the most tense periods in history in the economic arena. The economic recession during this period led to the spread of greed in people's lives. The press published between 1304 and 1339 AH. published various news about the situation of greed in everyday life; these press warned about the moral and social consequences of greed and money-loving in the form of critical articles, reports and cartoons; of course, the press had a positive approach to the value of money and its thrift by stating the benefits of money, but along with this attitude, they also pointed out the negative aspects of excessive interest in acquiring wealth. The increase in distrust in jobs, the prevalence of fraud, violations of coinage, the increase in theft and gambling due to the spread of greed were among the issues that the press reflected. The spread of greed in women's lives was also an issue that was taken into account. This research, with a descriptive-analytical approach and based on qualitative content analysis, seeks to answer the question of how the Qajar period press expressed and criticized greed. The findings of the present study indicate that the press, as sources that reflected specific examples, could encourage individuals to avoid greedy behaviors, and examining them as cultural sources can be useful.

Keywords: Culture, Qajar, Press, Greed, Daily Life.

Cite as: Reflection of Greed and Money Worship in the Press of the Qajar Era (1304-1339 AH),

Owner and Publisher: University of Tabriz

Journal ISSN (online):

Access Type: Open Access

DOI: 10.22034/ihc.2024.18563

بازتاب طمع و پول پرستی در مطبوعات عصر قاجار (۱۳۰۴-۱۳۳۹.ه.ق)

محمد سلماسی زاده، زهرا غفارزاده*

۱. دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران msalmasizadeh@tabrizu.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد اسلام، گروه تاریخ، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول).
zahraghaffarzadeh5@gmail.com

دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۰ بازنگری: ۱۴۰۳ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۰ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۱۰

چکیده

دوره قاجار یکی از پرتنش ترین مقاطع تاریخی در عرصه اقتصادی به شمار می آید. رکود اقتصادی در این دوره موجب گسترش طمع و ورزی در زندگی مردم شد. مطبوعات منتشر شده میان سال های ۱۳۰۴ تا ۱۳۳۹.ق. اخبار گوناگونی از اوضاع طمع در زندگی روزمره منتشر می کردند؛ این مطبوعات در قالب مطالب انتقادی، گزارش ها و کاریکاتورها، نسبت به پیامدهای اخلاقی و اجتماعی طمع و پول پرستی هشدار می دادند؛ البته مطبوعات با بیان فواید پول رویکرد مثبتی نسبت به ارزشمندی پول و صرفه جویی آن داشتند ولی در کنار این نگرش ابعاد منفی علاقه ای افراطی به کسب ثروت را نیز گوشزد می کردند. افزایش بی اعتمادی در مشاغل، شیوع کلاهبرداری، تخلفات ضرب مسکوکات، افزایش سرقت و قمار به علت شیوع طمع، از جمله مطالبی بود که مطبوعات منعکس می کردند. همچنین شیوع طمع در زندگی زنان، موضوعی بود که مورد توجه قرار گرفته بود. این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و بر پایه تحلیل محتوای کیفی، در پی پاسخ به این پرسش است که مطبوعات دوره قاجار با چه شیوه هایی به بیان و نقد طمع پرداخته اند. یافته های پژوهش حاضر حاکی از آن است مطبوعات به عنوان منابعی که نمونه های خاص را منعکس می کردند، می توانستند افراد را به دوری از رفتارهای طمع کارانه تشویق کنند و بررسی آن ها، به عنوان منابع فرهنگی می تواند مفید واقع شود.

واژگان کلیدی: فرهنگ، قاجار، مطبوعات، طمع، زندگی روزمره.

نحوه ارجاع: " بازتاب طمع و پول پرستی در مطبوعات عصر قاجار (۱۳۰۴-۱۳۳۹.ه.ق) "، تاریخ فرهنگ ایران،

صاحب امتیاز و ناشر: دانشگاه تبریز

شاپای الکترونیکی:

نوع دسترسی: آزاد

DOI: 10.22034/ihc.2024.18563

مقدمه

دوره قاجار از جمله ادوار مهم و سرنوشت‌ساز تاریخ ایران به شمار می‌آید که تحولات آن نه تنها در عرصه سیاسی، بلکه در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی نیز تاثیرات عمیقی بر جای گذاشت. ساختار اجتماعی و رفتارهای فردی و جمعی در این دوره، به طور قابل توجهی از شرایط اقتصادی و فرهنگی زمانه تاثیر می‌پذیرفت. به بیان دیگر، رابطه‌ای دوسویه میان فرهنگ و اقتصاد برقرار بود که رفتارهای اقتصادی بر پایه ارزش‌های فرهنگی شکل می‌گرفت و در مقابل، تحولات اقتصادی موجب دگرگونی در هنجارها و نگرش‌های فرهنگی می‌شد.

در چنین بستری، مطبوعات- به عنوان آینه‌ای از تحولات اجتماعی و فکری جامعه- نقشی مهم در بازتاب و نقد مسائل گوناگون ایفا کردند. یکی از موضوعات مورد توجه مطبوعات در بازه زمانی ۱۳۰۴ تا ۱۳۳۹ ق، مسئله طمع و پول‌پرستی در زندگی مردم بود. این موضوع در قالب اخبار، مقالات و گزارش‌های مختلف بازتاب یافته و ارزشمندی پول، شیوه‌های کسب روزی حلال و تاثیر حرص و طمع بر روابط انسانی، از جمله محورهای مورد توجه مطبوعات بود. طمع به عنوان رفتاری افراطی در طلب ثروت، به شدت مورد نقد قرار می‌گرفت و آثار منفی آن در زندگی روزمره مردم، بررسی می‌شد.

پژوهش حاضر نه به بررسی مستقیم پدیده طمع در جامعه، بلکه به واکاوی نگرش و رویکرد مطبوعات نسبت به گسترش طمع در آن دوره می‌پردازد. مطبوعات این دوره را می‌توان بازتابی از فضای فکری و اخلاقی جامع دانست که از رهگذر تحلیل محتوای آنها، می‌توان به درک بهتری از ذهنیت عمومی نسبت به ارزش‌های مادی دست یافت.

مطبوعات منتشر شده میان سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۳۹ ق. نشان می‌دهد که در مواجهه با پدیده طمع سه رویکرد اصلی در مطبوعات قابل تشخیص است:

۱. رویکرد انتقادی: نقد ارزش‌گذاری افراطی بر ثروت و تاکید بر پیامدهای منفی آن.
۲. رویکرد هشدار دهنده: تذکر نسبت به آثار اجتماعی و اخلاقی طمع در زندگی فردی و شغلی.
۳. رویکرد تربیتی و اخلاقی: ترویج فضایل اخلاقی چون قناعت و تلاش برای کسب روزی حلال به عنوان راهکاری برای مقابله با حرص و طمع.

در این پژوهش به پرسش‌های زیر پرداخته می‌شود: مطبوعات قاجار در بازه‌ی زمانی مورد نظر، با چه شیوه‌هایی به بیان و نقد پدیده‌ی طمع می‌پرداختند؟ طمع در مطبوعات در چه قالب‌ها و اشکالی مورد توجه قرار گرفته بود؟ مطبوعات چه راهکارها یا توصیه‌هایی برای مقابله با گسترش طمع ارائه کرده بودند؟

پیشینه و روش تحقیق

در ارتباط با موضوع پژوهش حاضر، تاکنون مطالعات محدودی صورت گرفته است. یکی از نمودهای طمع در جامعه، سرقت است که در مقاله‌ای از غفار پور بختیار (۱۴۰۲) با عنوان بررسی شیوه‌ها و شگردهای شناسایی سارقان و استرداد اموال مسروقه در ایران عصر قاجار» بررسی شده است. نویسنده در این پژوهش به موضوع سرقت در طول دوره قاجار پرداخته و بیشتر به روش‌های کشف سرقت و استرداد اموال تمرکز داشته است. در این مقاله، عواملی همچون تاثیر طمع یا دیگر آسیب‌های اجتماعی مورد توجه قرار نگرفته و تحلیل از خلال سفرنامه‌ها انجام شده است. همچنین حسین بیاتلو (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «معضلات اجتماعی عهد ناصری در رساله قانون قزوینی با تاکید بر شاخص سرقت» به موضوع طمع سارقان در دوره ناصری پرداخته است. این مقاله از حیث تمرکز بر رساله‌ای متعلق به همان دوره اهمیت دارد و به بررسی مجازات سارقین و علل شیوع سرقت می‌پردازد. با این حال، با توجه به اینکه رساله مورد بحث خارج از بازه زمانی پژوهش حاضر است، تنها می‌تواند به عنوان پیش‌زمینه و منبعی تطبیقی برای تایید برخی یافته‌ها مورد استفاده قرار بگیرد.

پریسا کدیور (۱۴۰۴) در کتاب «جامعه نگاری عهد قاجار: تاریخ اجتماعی و زندگی روزمره مردم در دوره قاجار» به بررسی وضعیت زندگی مردم، فقر عمومی و سبک زندگی در آن دوره پرداخته است. اگرچه این اثر تصویری روشن از شرایط اجتماعی ارائه می‌دهد، اما تمرکز ویژه‌ای بر محتوای مطبوعات ندارد و موضوع طمع و پول‌پرستی را به صورت دقیق و جزئی دنبال نکرده است.

در پژوهش حاضر، دیدگاه مطبوعات و نحوه بازتاب اخبار مرتبط با پدیده طمع و پول‌پرستی با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. همچنین تعاریف گئورگ زیمل، به ویژه آنچه در کتاب فلسفه پول درباره حرص و طمع و در مورد ازدواج‌های پولی آورده است، در بخش‌هایی از پژوهش مد نظر قرار خواهد گرفت تا مشخص شود نگرش مطبوعات دوره قاجار با دیدگاه‌های زیمل درباره ماهیت طمع، چه همخوانی‌هایی دارد. زیمل نظریات خود را بر پایه مطالعه جوامع مختلف مطرح کرده و بر نقش ارزشمندی پول در ایجاد تمایلات افراطی مالی تاکید داشته است. همچنین در این موضوع خاص فقط به ارائه‌ی تعریف و تأیید وجود آن در جوامع بسنده کرده است.

پژوهش حاضر از این منظر نوآورانه است که برای نخستین بار پدیده طمع را نه به طور کلی، بلکه از خلال بازنمایی در مطبوعات دوره قاجار مورد بررسی قرار داده است.

بحث (متن مقاله)

۱. ابعاد طمع در مطبوعات:

در دوره قاجار، بحران‌های اقتصادی و بی‌ثباتی‌ها بستر مناسبی برای شکل‌گیری و گسترش پدیده‌ی فرهنگ «پول-پرستی» یا «آزمندی» فراهم ساخت. این فرهنگ که در ابتدا واکنشی به تنگناهای اقتصادی^۱ بود، به تدریج به ارزشی پذیرفته شده در میان گروه‌های مختلف اجتماعی تبدیل شد. نمود این فرهنگ در اشکال گوناگون از جمله در روابط شخصی و ساختارهای شغلی نیز قابل مشاهده بود. پول پرستی در این دوره به عنوان کنشی فرهنگی با پیامدهای اجتماعی گسترده بود که گاه به فساد و ارتکاب جرم نیز منجر می‌شد. طمع نه تنها صفت شخصی، بلکه پدیده‌ای فرهنگی-اجتماعی بود که در بستر بحران‌های اقتصادی معنا می‌یافت؛ چنانچه در مشاغل گوناگون، طمع‌کاری، کم‌فروشی و دیگر رفتارهای غیراخلاقی نیز وجود داشت.

در یک تعریف بر اساس نظر گئورگ زیمل^۲ «آزمندی» وقتی پدید می‌آید که پول در مقام غایی از حدی فراتر رود، یعنی زمانی که دیگر وسیله‌ی مناسبی برای بیان فرهنگ اقتصادی یک گروه اجتماعی نباشد. زیمل در کتاب «فلسفه‌ی پول» به مطالب مختلفی از جمله ارزشمندی پول و طمع توجه نشان داده است اما کشور نمونه‌ای را ارائه نداده و برخی کشورها را مورد بررسی قرار داده است، ولی تعاریف و نتیجه‌گیری‌های او نشان می‌دهد که طمع امری معمول در جوامع با اقتصاد پائین بوده است (زیمل، ۱۴۰۰: ۲۳۸-۲۳۷).

در مورد سابقه تاریخی اشاره به طمع، می‌توان به ادبیات کلاسیک اشاره کرد که طمع همواره مورد نقد قرار گرفته است. نمونه‌ی بارز آن، فصل ششم از بوستان سعدی است که به طور کامل به باب قناعت اختصاص دارد. سعدی طمع را عاملی برای زوال شخصیت و کرامت انسانی می‌داند: «برو خواجه کوتاه کن دست آرزو چه می‌باید ز آستین دراز * کسی را که درج طمع درنوشت/ نباید به کس عبد و چاکر نوشت» (سعدی، بوستان، ۱۳۷۱: ۵۹۸). یا در اشعار شاعران بزرگی همچون جامی، فردوسی و سلمان ساوجی نیز نقد طمع یافت می‌شود (دهخدا، ۱۳۵۲، ج ۲: ۱۰۷۴)؛ چنانچه در شعری از جامی آمده است: «طمع از خلق گدائی باشد/ گر همه حاتم طائی باشد» (جامی، ۱۳۷۸: ۶۶۵) یا فردوسی می‌سراید: «دل مرد مطمع بود پر ز درد/ بگرد طمع تا توانی مگرد» (فردوسی، ۱۳۹۱: ۱۳۲۲). سلمان ساوجی نیز طمع را پوچ و تهی می‌داند و می‌سراید:

«کنار حرص الا پر کجا توانی کرد/ تو از طمع که سه حرف میان تهی افتاد * عزیز من در درویشی و قناعت زن/ که خواری از طمع و عزّت از قناعت زد» (ساوجی، ۱۳۷۶: ۴۱۷).

^۱. اقتصاد ایران در دوره‌ی مشروطه بسیار آشفته بود (هدایت، بی تا ۱۶۹).

^۲. Georg Simmel.

مقاله پژوهشی

در ادبیات روزمره نیز طمع و آثار آن مورد نقد قرار گرفته است. برای نمونه واژه‌ی «سخت منافع» در ادبیات دوره‌ی قاجار به «پول» و تنزیل که صاحبان پول از مردم و همدیگر می‌گیرند که حرام است و صیغه شرعیه لابد حلالش می‌نمایند» اشاره دارد یا «بادپاک»^۲ که کنایه از گرفتن حکم و منصب بر اساس پول است (حکیم خراسانی، ۱۳۸۴: ۳۰-۲۸). البته در رفتار شخصی افراد نیز این مورد با عبارات «دندان گرد بودن» (جمال زاده، ۱۳۴۱: ۱۴۹) برای طمع‌کار بودن افراد و یا کسبیه دوختن (همان: ۳۴۳) استفاده می‌شد. این مورد نشان می‌دهد طمع‌های اقتصادی نه تنها در اشعار بلکه در ادبیات عامیانه نیز نشان داده می‌شدند.

شایان ذکر است در ضرب‌المثل‌هایی که در دوره‌های مختلف شکل گرفته بودند و در دوره قاجار نیز استفاده می‌شدند نیز مواردی در نقد طمع وجود دارد، مثلاً در نقد طمع گدایان مواردی مثل: «گدا اگر همه عالم بدو دهند، گداست» در دیوان سعدی آمده است که در دوره‌های بعد تبدیل به ضرب‌المثل شده است (سعدی، غزلیات، بی‌تا: ۳۶؛ دهخدا، ۱۳۵۲، ج ۳: ۱۲۶۸). همچنین مصرع دوم از این غزل صائب «برنیاید خارخار از طینت ماهی به فلس/ غوطه گر در زر زند، حرص گدا در آتش است» تبدیل به ضرب‌المثل شده است (صائب تبریزی، ۱۳۶۷، ج ۲: ۵۱۳؛ دهخدا، ۱۳۵۲، ج ۳: ۱۲۶۸). با این بررسی باید گفت اشعار شاعران نامی به مرور زمان تبدیل به ضرب‌المثل شده‌اند و تا دوره‌ی معاصر مورد استفاده قرار گرفته‌اند ولی برخی از موارد در محاوره‌های روزمره شکل گرفته‌اند؛ مثلاً نقد فرد طمع‌کار با ضرب‌المثل‌هایی همچون «پول به جان کسی بسته بودن» ذکر می‌شود که مجاز از طمع‌کار بودن فرد است (انوری، ۱۳۸۲، ج ۲: ۱۴۵۲).

در منابع تاریخی رسمی، نظیر تاریخ‌نگاری‌های درباری که هدفشان نوشتن شرح حال پادشاهان بود، پادشاه «ظل الله» نامیده می‌شد (آقازاده، ۱۴۰۳: ۴۶) و زندگانی او مورد توجه بود، در نتیجه کمتر به موضوع طمع در زندگی مردم پرداخته شده است؛ در مقابل منابعی چون مطبوعات، اطلاعات ارزشمندی درباره زندگی روزمره، ارزش‌ها و مسائل اجتماعی جامعه ارائه می‌کنند. مطبوعات از دوره‌ی ناصری فعالیت گسترده‌ای داشتند (ایزدی، ۱۳۷۷: ۲۰۹)، ولی در دوره مظفری و مشروطه بود که مطبوعات به موضوعات اجتماعی و فرهنگی توجه بیشتری نشان دادند و شهرهایی مانند تهران، مشهد و تبریز به مراکز رشد مطبوعات تبدیل شدند (طباطبایی، ۱۳۶۶: ۸۸؛ کامیاب، ۱۳۹۷: ۵۱-۵۲؛ کسروی، ۱۳۸۵: ۲۸۷). البته در دوره محمدعلی شاه و استبداد او، روزنامه‌ها توقیف شدند (استوار و اصغری، ۱۴۰۴: ۱۵۹)، ولی از دوره مشروطه بود که مطبوعات کم‌کم از ابزار سیاسی صرف، به نهادهایی فرهنگی بدل شدند که به موضوعاتی چون اخلاق عمومی، وضعیت بازار، مدرسه و مسائل اجتماعی می‌پرداختند (جلالی، ۱۳۸۹: ۵۵؛ کامیاب، ۱۳۹۷: ۵۲). در همین فضا بود که موضوع طمع به عنوان یکی از پیامدهای مستقیم بحران اقتصادی، برجسته شد و مطبوعات با رویکردهای انتقادی، هشدار و گاه اصلاح‌گرایانه به تحلیل و نقد این پدیده پرداختند. از دید نویسندگان مطبوعات، فقر اقتصادی نه تنها موجب تضعیف منزلت اجتماعی افراد شده بود، بلکه آن‌ها را

^۱ پول در این قسمت به معنای همان پول در معنای عامیانه و کلی است.

^۲ کنایه از فرامین و ارقام و احکام و دستخط سلاطین و حکام که ناسخ و منسوخ داشته باشد و منتج به این نتیجه شود که به کلی احکام خودش را خودش از جریان و اعتبار ببندازد؛ و این حالت از اختلال خیال و بی‌استقامتی حال و بی‌ثباتی رای ناشی می‌شود و خیلی خوب حالتی نیست و سبب کلی این حالت طمع است که مثلاً یکی می‌آید فلان مبلغ می‌دهد حکم می‌گیرد و می‌رود؛ و هنوز آن شخص مسلط به عمل نشده، مصارفش می‌آید. در نتیجه هرج و مرج ایجاد می‌شود و حکم از اعتبار می‌افتد (حکیم خراسانی، ۱۳۸۴: ۳۱-۳۰).

مقاله پژوهشی

مستعد سوءاستفاده و جرم نیز کرده بود؛ از همین رو مطبوعات به ترویج فضیلت‌هایی مثل قناعت و کسب روزی حلال نیز پرداختند.

شایان ذکر است مطبوعات با سه رویکرد به بیان موضوع می‌پرداختند: ۱. رویکرد مثبت که به فواید پول و به‌کارگیری آن در جامعه می‌پرداخت. ۲. رویکرد منفی که اخبار منفی مربوط به طمع را درج می‌کرد. ۳. رویکرد اخبار محور که فقط در تلاش بود اخبار را بدون هیچ گونه قضاوتی، منعکس کند.

در مورد رویکرد اول اخباری از فواید پول در مطبوعاتی چون تمدن درج شده است. این مقاله در ذیل تیتر «پول!! پول!! پول!!»^۱ به فواید پول در زندگی می‌پردازد. از جمله اینکه «پول آدم غیر لایق ناقابل را لیاقت می‌بخشد و مقام او را عالی می‌کند، از دیگر فواید پول این است که آبادی و ترقی به واسطه پول ایجاد می‌شود، به واسطه پول کارخانجات عالی احداث می‌شود، خطوط راه آهن کشیده می‌شود، قشون منظم مسلح می‌شود، تلگراف ایجاد می‌شود، گرامافون اختراع می‌شود و مردم بیکار صاحب شغل می‌شوند». در صفحه ۴ از همین شماره نیز این مقاله ادامه یافته و به برخی معایب پول اشاره شده است، یکی از آنها اینکه باعث می‌شود اشخاصی مثل قوام الملک شیرازی با استفاده از پول، وطن خواه جلوه کنند (تمدن، ۱۳۲۶ق، شماره ۵۸: ۳-۴). در این مورد روزنامه موضع‌گیری خاصی نداشته و هر دو بُعد مثبت و منفی پول را مورد بررسی قرار داده است. در نتیجه بازتاب چنین مطالبی می‌توانست ارزشمندی پول را یادآور شود و برخی افراد با خواندن این مطالب به کسب پول علاقه‌مند شوند ولی هدف روزنامه ترویج طمع‌های افراطی برای کسب پول نبود.

آئینه غیب نما نیز از جمله مطبوعات کاریکاتور محور بود که در کنار مطالب طنز خود، مقالات انتقادی نیز درج می‌کرد. در مقاله‌ای با تیتر «زشت و زیبای پول: پول خیلی شان دارد» به بُعد منفی پول در زندگی می‌پردازد؛ خراب کردن مملکت به وسیله پول، اجیر کردن افراد، از بین بردن مجازات مرتکبین و خائن کردن افراد به وسیله طمع‌های مالی از جمله این موارد است (آئینه غیب نما، ۱۳۲۶ق، شماره ۲۹: ۱، ۴). در روزنامه به نحوه استفاده از پول اشاره شده است که با استفاده از طمع‌کاری افراد می‌توان اقداماتی صورت داد؛ البته هدف ترویج طمع‌کاری نیست، بلکه انتقاد از وضع موجود است.

۱-۱. طمع و شکل‌گیری فرهنگ بی‌اعتمادی در مشاغل:

یکی از نمودهای برجسته طمع در مطبوعات، تاثیر آن بر سست شدن اعتماد و شکل‌گیری فرهنگ بی‌اعتمادی عمومی نسبت به مشاغل و اصناف گوناگون بود. این نوع بازتاب خبر در مطبوعات، بیش از آنکه صرفاً حاصل تجربه‌های فردی باشد، بازتاب یک بحران عمیق ساختاری بود که ریشه در شرایط اقتصادی، ضعف نظارت‌ها و فروپاشی ارزش‌های اخلاقی داشت. در مطبوعات دوره‌ی مشروطه و پس از آن، این بحران تهدیدی جدی علیه فرهنگ جامعه عنوان شده بود.

^۱ در ادبیات این دوره از واژه‌ی پول برای بیان ثروت، سکه و پول رایج مملکت نیز استفاده می‌شد. در یک تعریف باید گفت «پول شیء فلزی یا کاغذی با واحدی مشخص است که در هر کشور برای انجام معاملات، خرید و فروش و ... به کار می‌رود و اعتبار آن به علت ارزش خود آن شیء یا به علت ارزش پشتوانه آن است» (انوری، ۱۳۸۲، ج ۲: ۱۴۵۲).

مقاله پژوهشی

مطبوعات از طریق بازتاب مقالات و اخبار، افشاگری در خصوص عملکرد مشاغل و برجسته‌سازی مصادیق طمع ورزی در حرفه‌ها، در شکل‌دهی و تقویت این بی‌اعتمادی نقش قابل توجهی ایفا کردند. هدف این انتقادهای آگاهی عمومی، پیشگیری از سوءاستفاده و اصلاح بود.

یکی از نمونه‌ها در این زمینه، خبری است که در روزنامه الجمل منتشر شده و به طمع‌کاری متولی یک امامزاده اشاره دارد. در این خبر، اشاره شده که فرد به جای صرف موقوفات برای امور مذهبی مانند برگزاری روضه یا کمک به سادات، از این منبع برای منافع شخصی استفاده می‌کرد و حتی در مراسم دفن نیز تبعیض قائل می‌شد؛ به‌گونه‌ای که دفن اموات خانواده‌های فقیر را به بهانه نبود جا رد می‌کرد، اما در ازای دریافت ۵ یا ۱۰ تومان از خانواده‌های ثروتمند، اجازه دفن صادر می‌کرد. همدستی وی با غسال‌ها و داروغه شهر نیز باعث شده بود، در مواردی با ادعای ساختگی درباره مرگ (مثلاً مسمومیت)، خانواده متوفی را مجبور به پرداخت رشوه کند (الجمل، ۱۳۲۵ق، شماره ۳: ۳-۲).

مورد دیگری که نشان دهنده عمق بحران است، گزارشی از روزنامه ناصری با تیتیر موت اجباری است. در این گزارش با تیتیر موت اجباری، دختر ۱۴ ساله‌ای که تصور می‌شد فوت شده، در واقع هنوز زنده بوده اما غسال با هدف کسب درآمد، این حقیقت را پنهان کرده و یک روز پس از دفن، این موضوع آشکار می‌شود که برای نجات دختر دیر شده است (ناصری، ۱۳۱۴ق، شماره ۱۸، سال ۳: ۴-۶). البته رفتارهای طمع‌کارانه صرفاً محدود به این مشاغل نبود. بلکه برخی صاحبان حرفه‌های معمولی نیز به دلیل نارضایتی از مشاغل خویش به سمت مشاغل پرسود همچون فروش تریاک کشیده می‌شدند. فروش تریاک در این دوره غیرقانونی نبود بلکه انحصار آن در دست افراد خاصی بود که توسط اداره تحدید تریاک انتخاب می‌شدند. در اطلاعیه‌ای از طرف این اداره اعلام شده بود که فروش تریاک منحصر به حاجی محمد باقر تاجر اصفهانی و شرکای او بود (ایران نو، ۱۳۲۷ق، شماره ۹: ۲). در نتیجه فروش تریاک توسط اشخاص دیگر ممنوع بود، ماجرای خیاط تریاک‌فروش از این موارد است. ماجرا از این قرار بود که میرزا حسن، مامور نظمیه با ترفندی می‌توانست این فرد را شناسایی کند؛ او که «از تریاک فروختن میرزا آقای خیاط مقیم بازار سمسارها نزدیک درب سرای آرامنه اطلاع داشت، نزد او رفته و مشتری تریاک می‌شود، میرزا آقا یک سیر تریاک می‌فروشد حسن اکتفا نکرده می‌گوید بیشتر می‌خواهم و مبلغ ۱۸ تومان تسلیم خیاط مزبوره کرده تریاک می‌گیرد». مامور پس از کشف این مسئله، خیاط را به نظمیه آورده و مشخص می‌شود او تریاک را از دلالی به نام میرزا اسدالله خریداری کرده است (ایران نو، ۱۳۲۷ق، شماره ۲۶، جلد ۱: ۲).

با توجه به مطالب عنوان شده، مطبوعات با درج چنین اخباری تلاش داشتند نسبت به شکل‌گیری بی‌اعتمادی در مشاغل هشدار داده و صاحبان مشاغل را از رفتارهای طمع‌کارانه بازدارند. در برخی از این اخبار نیز نسبت به غیرقانونی بودن این رفتارها هشدار داده می‌شد.

۱-۲. طمع و شیوع کلاهبرداری:

موضوع کلاهبرداری و سوءاستفاده‌های شغلی در برخی از اخبار مطبوعات درج شده است. موضوع کلاهبرداری‌ها با اخباری از تاثیر این رفتار بر روی زندگی مردم عادی درج شده است. در واقع هدف مطبوعات از درج این اخبار، آگاه ساختن مردم از مشاغل بود که به کلاهبرداری دست می‌زدند و با این روش قصد فریب داشتند. موضوع طمع یک عادت ریشه‌دار بود نه فرهنگی که از غرب وارد شده باشد و سفرنامه‌نویسانی همچون کارلا سرنا با مطالبی این نکته را مورد تاکید قرار دادند؛ از

مقاله پژوهشی

نظر سرنا قرض داشتن عادت ایرانی ها بود، حتی در برخی موارد برخی نوکرها کالاهای نسیه برای اربابان خریداری کرده و سپس پول را پرداخت نمی کردند که گاه با برخورد قانونی مواجه می شدند و گاه به علت مقام ارباب، این مورد اجرایی نمی شد (سرنا، ۱۳۶۲: ۱۲۱). لیدی شیل نیز ضمن تأیید این نکته، اعتقاد دارد همه ی مردم «از پادشاه مملکت گرفته تا یک قاطرچی بینوا» مقروض بودند (شیل، ۱۳۶۸: ۸۴). با این وصف برخی از مردم نیز به علت گذران معیشت مجبور به قرض بودند (کدیور، ۱۴۰۳: ۱۱۴) که گاه این نیاز به بازپرداخت، منجر به شیوع طمع می شد. طبق اخبار مطبوعات، مقروض بودن و شرایط سخت اقتصادی در زندگی برخی از مردم، منجر به رواج طمع کاری و روش هایی همچون کلاهبرداری، سرقت و قمار برای کسب پول گردید که در این بخش به کلاهبرداری در مشاغل خواهیم پرداخت.

طبق اخبار، برخی از کلاهبرداری ها به عنوان یک راه حل برای عبور از بحران مالی انجام می شد. مطبوعات نیز این موضوع را به عنوان یک نظامی فرهنگی انعکاس می دادند که باعث ترویج بی اعتمادی می شد؛ این موضوع در سه بخش قابل بررسی است: ۱. نقد به ایجاد فضای بی اعتمادی توسط مشاغل ۲. نقد به نوع برخورد با این نوع کلاهبرداری ها ۳. شیوع کلاهبرداری با روش فرهنگی همچون عناوین جعلی و موارد سوءاستفاده از دین.

در مورد نخست که ذکر شد، مطبوعات به موضوع رواج بی اعتمادی در مشاغل اشاره داشتند. برای نمونه، روزنامه «ترقی» گزارشی درباره کمپانی «زینگر»^۱ منتشر کرد که طبق خبر، شرکت چرخ های معیوب را به قیمت پایین تر به خیاطان می فروخت و با سوءاستفاده از نیاز مشتریان به ابزار ارزان تر، سودجویی می کرد. این چرخ ها کمتر از یک ماه خراب شدند و مشتریان بدون امکان مرجوع، متضرر شدند؛ این موضوع نقدی بر اعتماد به ارزانی کالاها بود. در همان شماره نیز موضوع داروخانه های به نام «شورین» منتشر شده بود که حتی داروهای فاسد را پس نمی گرفت و در برابر اعتراض مشتریان، مسئولیتی قبول نمی کرد (ترقی، ۱۳۲۵ق، ش ۹: ۴-۲). این دو خبر به خوبی نمایانگر تلاش مطبوعات برای نمایش بی اعتباری مشاغل ناشی از طمع هستند که خطر جدی برای مقوله ی اعتماد برای مشاغل حرفه ای را به تصویر می کشند.

موضوع دوم که مطرح شد مربوط به نحوه ی برخورد با موضوع کلاهبرداری توسط نهادهای امنیتی است. گاه این نهادها موفق به کشف و پیگیری کلاهبرداری ها می شدند و در برخی موارد، به دلیل نفوذ افراد متخلف یا همراهی نهادهای فاسد، پیگیری صورت نمی گرفت. برای نمونه روزنامه ایران نو، در خبری به فردی به نام میرزا محمود اشاره دارد که با فریب نوکر خود در مورد خرید زغال، از پرداخت هزینه سرباز می زند؛ با پیگیری نظمیه مشخص می شود یکی از حمال ها که به عنوان واسطه معرفی شده، همدست وی بوده است (ایران نو، ۱۳۲۷ق، ش ۱۰، ج ۱: ۲). همچنین در ماجرای دیگر، فردی به نام خسرو (مامور وصول طلب) خود به کلاهبرداری متهم می شود. او مبلغی را از سید حسن می گیرد، اما در مسیر آن را گم می کند و بعد ادعای تحویل ناقص پول را مطرح می کند. در بررسی نهایی مشخص می شود که کمبود مبلغ ناشی از کلاهبرداری او بوده است (ایران نو، ۱۳۲۷ق، شماره ۹۰، جلد ۱: ۲). اما همه ی موارد با چنین دقتی پیگیری نمی شد؛ در گزارشی از روزنامه ادب، فردی با لقب «قبض خوار» معرفی می شود که به دلیل قدرت و همراهی مستوفیان^۲، طی سال ها مرتکب انواع تخلفات مالی شده و حتی در موردی برای انکار بدهی، قبض را بلیعیده و لقب قبض خوار گرفته است. سکوت مستوفیان در این مورد، خود شهادی بر فساد ساختاری و فرهنگی حاکم در بخش هایی از بدنه حکومت است (ادب، ۱۳۱۹ق، شماره ۲۷، جلد ۱: ۴-۳).

^۱ نام کمپانی.

^۲ مستوفیان در لغت جمع مستوفی است؛ آن ها حساب دار بودند و پول های مالیات را برای خزانه جمع آوری می کردند.

قسمت سوم از رویکرد مطبوعات به نقد نوع برخورد با این نوع کلاهبرداری‌ها، شیوع کلاهبرداری با روش فرهنگی همچون عناوین جعلی و موارد سوءاستفاده از دین اشاره دارد. در مورد عنوان جعلی، یک خبر به شکل پیچیده‌ای از کلاهبرداری اشاره کرده است؛ در این نمونه از ایران نو، مردی با معرفی خود به عنوان خواهرزاده‌ی مفتش نظمیه، ژاندارم‌ها را فریب داده، خانه‌ای را غارت و از دو زن نیز اخاذی کرده بود که در یک پیگیری هویت جعلی او افشا شده بود (ایران نو، ۱۳۲۷ق، شماره ۳۶، ج ۱: ۲). نمونه‌ای دیگر که بعد فرهنگی کلاهبرداری را نشان می‌دهد، مربوط به استفاده از دین برای کلاهبرداری است. در این نمونه فردی بستنی‌فروش با تکیه بر ارزش‌ها و باورهای دینی، شکایتی علیه یک فرد ارمنی مطرح کرده و مدعی می‌شود بستنی‌ها توسط ارمنی لمس و نجس شده است. در نهایت، نظمیه ارمنی را مقصر و ملزم به پرداخت دو تومان خسارت می‌کند (ایران نو، ۱۳۲۷ق، شماره ۳۹، ج ۲: ۱). این موضوع به نقد مطبوعات در مورد سوءاستفاده از عنوان دین برای کلاهبرداری‌ها اشاره دارد که نفوذ چنین رفتاری در افراد نظمیه را نیز به تصویر می‌کشد. در واقع این رویکرد نهان خبر است که چنین مطالبی را القا می‌کند؛ موضوع در ظاهر خبر ولی در باطن حاوی مصادیق مهم فرهنگی است که با بررسی نمونه‌ای، انحطاط اخلاقی جامعه را نمایان می‌سازد.

۱-۳. طمع؛ حاصل پیوند فرهنگ و اقتصاد:

در بررسی تاریخ اجتماعی و فرهنگی دوره قاجار، یکی از مطالبی که نشان دهنده پیوند مستقیم میان شرایط اقتصادی و تغییرات فرهنگی است، رواج سکه‌های تقلبی است. در این دوره اوضاع سخت اقتصادی، باعث رشد طمع و بروز کلاهبرداری‌ها در ضرب سکه و استفاده از سکه‌های جعلی شد و در واقع در این مورد خاص، سودجویی شخصی، جایگزین اخلاق و اعتماد جمعی شد. مطبوعات این دوره نیز سه رویکرد را دنبال می‌کردند: ۱. آموزش شناخت این نوع سکه‌ها ۲. عدم اعتماد به اشخاص مختلف و افشای تخلف ۳. اشاره به نهادینه شدن فریب در افراد طمع‌کار.

در مورد سابقه تاریخی باید گفت که ضرب سکه از دیرباز جزء اختیارات اختصاصی حکومت‌ها بود. در دوره‌ی قاجار نیز این روند ادامه داشت و دولت با هدف کسب درآمد، اقدام به ضرب سکه می‌کرد (مته و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۵۶). با این حال، از دوره‌ی فتحعلیشاه به بعد، کاهش عیار نقره و کاهش وزن سکه‌ها باعث شکل‌گیری بی‌اعتمادی نسبت به پول رایج گردید (عیسوی، ۱۳۶۲: ۶۱۲). تا پیش از عصر ناصری، بخشی از این مشکلات کاهش یافت (جمال‌زاده، ۱۳۳۵: ۱۴۱)، اما با وجود اصلاحات، رواج طلا و نقره تقلبی در بازارهای محلی -به ویژه در دوره کمبود فلزات گرانبها- فرصتی مناسب برای افراد طماع فراهم آورد تا به تولید پول‌های جعلی بپردازند. راه شناخت این نوع سکه‌ها عمدتاً از طریق بررسی عیار، وزن و سختی فلز بود (کدیور، ۱۴۰۳: ۷۰). البته عموم مردم، به ویژه طبقات بی‌سواد یا کم‌سواد، از تشخیص تفاوت‌های فنی ناتوان بودند؛ همین امر سبب رواج کلاهبرداری با سکه‌های تقلبی و تبدیل آن به روش رایج سودجویی شد.

۱-۳-۱. مطبوعات از آموزش نا افشای تخلفات سکه‌ها:

مطبوعات دوره قاجار که از اواخر عصر ناصری نقش فعال‌تری در حوزه فرهنگ عمومی ایفا می‌کردند، با انتشار اخبار و تحلیل‌های خود در پی هشدار بودند تا با ایجاد هراس از پیگیری قانونی، مانع از گسترش رفتارهای طمع‌کارانه گردند. قدیمی‌ترین خبر در این حوزه، مربوط به روزنامه «فرهنگ» در سال ۱۳۰۴ق. است؛ خبر مربوط به فردی از سلطان آباد است

مقاله پژوهشی

که درصدد ساخت ابزار ضرب سکه‌ی جعلی بوده اما توسط شاگردش معرفی و توسط حکومت مجازات شده است (فرهنگ، ۱۳۰۴ق، ش ۴۷۴، ج ۳: ۶). در سال‌های بعد مطبوعاتی مانند ایران نو، با دقت بیشتری به معرفی فنی سکه‌های تقلبی پرداختند. یکی از این موارد مربوط به سکه‌های منسوب به محمد علی شاه بود. تاریخ ضرب سکه‌ها به دوره پس از عزل محمد علی شاه برمی‌گشت؛ موضوعی که حتی افراد دارای اطلاعات کم نیز می‌توانستند با تطبیق تاریخ و نقش سکه به آن پی ببرند (ایران نو، ۱۳۲۸ق، ش ۱۳۷، ج ۳: ۲).

این نوع از کلاهبرداری‌ها فقط به این حوزه مربوط نمی‌شد، بلکه برخی افراد با استفاده از این سکه‌ها به شیوه‌هایی هوشمندانه دست می‌زدند؛ این موضوع منجر به رواج فرهنگ فریب برای سود بیشتر شده بود. روزنامه فرهنگ، در خبری مفصل، فردی را معرفی می‌کند که با امانت چند سکه اشرفی کریم‌خانی به مردم، از آن‌ها پولی به عنوان گرو دریافت کرده بود. بررسی‌ها نشان می‌داد این فرد سکه‌ها را از یک یهودی خریده و سال‌ها با این روش مردم را فریب داده بود (فرهنگ، ۱۳۰۴ق، ش ۵۱۳، ج ۳: ۱-۲). مورد مشابه دیگر با تیتراژ «پول قلب»^۱ در روزنامه ایران نو درج شده است؛ زنی پارچه‌ها را فروخته و پس از دریافت پول، ادعای پشیمانی کرده و پول تقلبی خود را به جای پول اصلی، به مرد فروشنده پرداخت کرده بود (ایران نو، ۱۳۲۸ه‌ق، شماره ۱۳۷، ج ۱: ۲). این اخبار و ذکر زنان در چنین اخباری، موضوع نهادینه شدن طمع در ذات جامعه و تبدیل شدن آن به یک عادت را به خوبی نمایان کرده و آن را نقد می‌کند. در یک تحلیل باید گفت هدف مطبوعات از درج چنین اخباری که در ظاهر خبر و در باطن هشدار محور هستند، آگاه ساختن مردم، شناساندن روش‌های کلاهبرداری و آموزش روش‌های تشخیص کلاهبرداری بود. همچنین ایجاد ترس از پیگیری قانونی، نوعی بازدارندگی فرهنگی از تکرار چنین رفتارهایی بود.

۱-۴. هشدارهای سرقت:

یکی از قدیمی‌ترین منابع که به طور جزئی به موضوع سرقت می‌پردازد رساله‌ای با عنوان «قانون قزوینی: انتقاد اوضاع اجتماعی ایران دوره ناصری» است. کتاب توسط محمد شفیع قزوینی نوشته شده بود و به موضوع‌های مهمی همچون «قحطی پول»، کمبود نان و سرقت می‌پرداخت. کتاب سارقان را به دو گروه: اکراد و ایلیات و اهل شهر تقسیم کرده بود و اعتقاد داشت دزدان شهری با اعمال شهر همدست بودند. همچنین نویسنده سرقت‌های بزرگ را با همکاری داروغه و حاکم عملی می‌دانست ولی طبق مطالب رساله، سرقت‌های کوچک از جمله آفتابه، قلیان، فرش، بقیچه و .. نیز بدین وسیله انجام می‌شد که بیشتر به خاطر طمع یا احتیاج بود (قزوینی، ۱۳۷۰: ۹۸-۹۷؛ بیاتلو، ۱۳۹۸: ۱۱۶). در نتیجه سرقت‌های این دوره غالباً ناشی از دو عامل عمده بود: ۱. فقر شدید که افراد را برای تامین هزینه‌های زندگی به سرقت سوق می‌داد. ۲. طمع افراطی که گاه به عادت سرقت - حتی در مورد کالاهای بی اهمیت - منجر می‌شد (پوریختیار، ۱۴۰۲: ۱۳۵).

شایان ذکر است در مورد اوضاع نابسامان اقتصادی مردم، یک رساله‌ی انتقادی با نام «رساله مجدی» در دوره‌ی ناصری نوشته شده است. نویسنده رساله حاج میرزا محمدخان مجدالملک^۲ بود. یکی از مطالب اشاره به طمع افراد برای کسب مالیات

^۱ منظور پول تقلبی است.

^۲ مجد الملک یکی از رجال دربار ناصرالدین شاه، پدر حاج میرزا علی‌خان امین الدوله و میرزا تقی‌خان مجدالملک و نیای خاندان امینی بود. در آغاز سلطنت ناصرالدین شاه، پیشکاری مادر محمد شاه را داشت و مقام‌هایی در امور دولتی کسب کرده بود؛ از جمله‌ی این مقام‌ها کارپردازی حاجی ترخان،

مقاله پژوهشی

اضافی از دسترنج مردم است که توسط پادشاه و عوامل آن انجام می‌شد و موجب فقر شدید مردم شده بود (مجدالملک، ۱۳۲۱: ۵۶). در واقع در موضوع طمع‌هایی که به سرقت منجر می‌شد، می‌توان دو دسته بندی ارائه کرد: ۱. سرقت کالاهای گرانبها ۲. سرقت کالاهای بی ارزش. در نگاه اول، سرقت اشیای بی ارزش ممکن است بی اهمیت جلوه کند اما بررسی دقیق‌تر نشان می‌دهد که این نوع از دزدی‌ها، ریشه در بحران اقتصادی و گاه طمع داشتند. هدف مطبوعات از نشر این نوع اخبار اطلاع‌رسانی بود، ولی در کنار آن نقد طمع و پول‌پرستی نیز دنبال می‌شد. همچنین رویکرد تشویقی مثل دعوت به کسب رزق حلال -به جای روی آوردن به سرقت- نیز در مطبوعات وجود داشت.

در یک دسته بندی برای این دوره می‌توان دو نوع سرقت را تعریف کرد: ۱. سرقت برای بقا ۲. سرقت‌های طمع‌کارانه که حاکی از نفوذ فرهنگ پول‌پرستی بودند. در مورد سرقت برای بقا که حاکی از شیوع سرقت‌های اقتصادی برای گذران معیشت است؛ به سرقت‌هایی مثل سرقت خروس توسط دو سرباز توپخانه در خیابان علاءالدوله تهران و مجازات قانونی آن‌ها برمی‌خوریم (ایران نو، ۱۳۲۷ق، ش ۲۵، ج ۱: ۲). این موضوع معیشت کارکنان توپخانه را نیز به چالش می‌کشد که ناشی از اوضاع شدید اقتصادی است. مورد دیگر، سرقت کالاهایی همچون حنا (ایران نو، ۱۳۲۸ق، ش ۱۹۷، ج ۲: ۳)، چراغ محله عودلاجان (همان، شماره ۲۶، ج ۱: ۲)، فانوس محله سید نصرالدین (همان، شماره ۸۰، ج ۱: ۲) یا سرقت امانت پستی (ندای اسلام، ۱۳۲۵ق، ش ۲۲: ۷) هستند که امکان فروش و یا مبادله‌ی کالا به کالا داشتند.

البته مطبوعات جز نقد این موارد، به رواج قتل از طریق چنین سرقت‌هایی نیز اشاره می‌کردند. این موضوع توسط ندای اسلام گزارش شده است. در این خبر، سیدی که به قصد زیارت امام رضا (ع) در قهوه خانه‌ای توقف کرده بود، به علت داشتن تپانچه‌ای قیمتی به قتل رسید؛ روزنامه با بیان این خبر، این نوع خشونت طمع‌کارانه را نقد کرد (ندای اسلام، ۱۳۲۵ق، ش ۲۷: ۵-۶).

حرص و طمع سارقان این دوره گاه افراطی بود؛ برای مثال سرقت یک شاهزاده که خود دارای مال و املاک بود، موجب تعجب شده بود؛ این مورد تحت عنوان «شاهزاده دزد» در روزنامه ایران نو، درج شده بود که به ماجرای از اصغر میرزا (برادر غلامحسین میرزا) اشاره دارد. بر اساس این گزارش، اصغر میرزا از منزل برادرش سرقت کرده و بخشی از اموال به سرقت رفته را به سمسار فروخته بود که با برخورد قانونی مقامات نظمیه مواجه شد (ایران نو، ۱۳۲۷ق، شماره ۸۰، ج ۱: ۲).

ذکر این نکته لازم است که کمیسری و عوامل انتظامی با این موارد برخورد می‌کردند ولی سارقان نیز در حین گرفتاری به توجیه‌هایی دست می‌زدند که نمونه‌ای جالب از برخوردهای انسانی با خطاهایشان است. به عنوان مثال در طی خبری، سارقی به حیاط پشت بانک ملی رفت و در حال آماده کردن مقدمات سرقت بود. با این حال، زمانی که دستگیر شد، ادعای متفاوتی مطرح نمود و اظهار کرد هدفش تمیز کردن حیاط بانک - برای رضای خدا- بوده است (آذربایجان، ۱۳۲۵ق، شماره ۱۱: ۷). این موضوع به نوعی انکار مسئولیت یا پرده‌پوشی بر حقیقت از سوی فرد خاطی را بازگو می‌کند.

۱-۵. آسیب‌های فرهنگی قمار:

نایب اول وزارت دول خارجه، وزیر وظائف و اوقاف و متولی آستان قدس رضوی بود؛ او در زمان کسب مقام متولی آستان قدس رضوی، لقب مجدالملک را از ناصرالدین شاه دریافت کرد. (مجدالملک، ۱۳۲۱: مقدمه)

مقاله پژوهشی

در دوره‌ی قاجار قمار و قماربازی به یک پدیده‌ی رایج تبدیل شده بود که برخی از افراد برای کسب پول آسان و بی-زحمت به آن روی می‌آوردند. مطبوعات نیز به ابعاد فرهنگی قمار پرداخته و آسیب‌های آن را برجسته می‌کردند. از نظر این منابع، آسیب‌های ناشی از قمار عمدتاً شامل فروپاشی کانون خانواده و اعتیاد به این روش بود. همچنین موضوع توسط عوامل نظامیه پیگیری می‌شد، اما با این حال برخی افراد از پیگیری قانونی نیز ابا نداشتند.

مطبوعات با بیان اخبار قمار، به مشکلات جامعه از جمله گرفتن لقب و منصب نیز اشاره داشتند. موضوع طمع افراد برای دستیابی به مقام، در قالب یک کاریکاتور - مرتبط با بازی قمار- به تصویر کشیده شده است. در این تصویر، دو نفر در حال قمار هستند و جایزه نفر اول ۱۰ اشرفی است، اما نفر دوم علاوه بر ۱۰۰ تومان موجب، خواستار اعطای لقب نیز است (کشکول، ۱۳۲۵ق، ش ۱۲: ۲).

مورد دیگری که مطبوعات برجسته می‌کردند، آسیب قمار در زندگی خانوادگی بود. یکی از مطبوعات مهم در این زمینه روزنامه «ادب» بود. روزنامه خبری از جوانی ثروتمند را نقل می‌کند که با دختری از خانواده‌ای متمول ازدواج کرده بود، اما به تدریج به قمار اعتیاد پیدا کرد. این جوان دوستان قمارباز خود را به خانه دعوت نموده و همسرش را به تدارک شام و نهار مجبور می‌کرد؛ شبی همسرش از تهیه‌ی شام خودداری کرد که مرد او را سه طلاقه کرد. پس از مدتی، یکی از اشخاص برجسته از زن خواستگاری کرد و این موضوع باعث آشفتگی جوان شد (ادب، ۱۳۲۱ق، ش ۲۹، ج ۱: ۵-۶).

روش فرهنگی دیگر که توسط مطبوعات پیگیری می‌شد، ایجاد ترس از مجازات در ارتباط با قماربازان بود ولی با این حال، جامعه باز هم از این مورد ابایی نداشت؛ مثلاً در خبری از روزنامه ایران نو، به اعتراضی در مورد شیوع قماربازی در میان اقشار عادی برمی‌خوریم. خبر در مورد تعقیب قماربازان در عودلاجان است که حتی از گرفتاری نیز هراسی نداشتند (ایران نو، ۱۳۲۷ه.ق، شماره ۲۶، جلد ۱: ۲). اما اخباری از دستگیری افراد قمارباز نیز وجود دارد. برای نمونه، در محله عودلاجان ۷ نفر به اتهام قماربازی در خانه میرزا ابوالفضل دستگیر شدند که اسامی این افراد: میرزا آقاخان، غلامرضا خان، شیخ حسن، میرزا حسین خان، میرزا احمد، میرزا محمد و میرزا ابوالفضل صاحب خانه بود (ایران نو، ۱۳۲۸ق، شماره ۱۹۷، ج ۲: ۳).

خبری نیز به قماربازی دو نفر از افراد حامی مویدالدوله در قهوه‌خانه اشاره دارد. طبق خبر، اطرافیان شاهزاده تلاش‌هایی برای رهایی آن‌ها انجام دادند، اما این اقدام میسر نشد و کمیسر محلی از صاحبان قهوه‌خانه‌ها تعهد گرفت تا محل کار خود را برای قماربازی در اختیار کسی قرار ندهند (ایران نو، ۱۳۲۷ق، شماره ۲۶، ج ۱: ۲).

شایان ذکر است برخی افراد در هنگام دستگیری به ترفندهایی دست می‌زدند تا از مجازات رهایی یابند؛ یکی از این موارد، ادعای داشتن تابعیت روسی بود؛ با این حال، کمیسری در یک مورد صاحب‌خانه‌ای را که مدعی شده بود تبعه روس است، بازداشت کرده بود (پلیس ایران، ۱۳۲۹ق، سال ۲، ش ۴۳: ۲). در واقع مطبوعات به عنوان یک منبع مهم، با اشاره به آسیب‌های قمار و عواقب آن، به بیان موضوع پرداختند و با هشدار به مجازات، در تلاش بودند جامعه را از این موضوع دور سازند.

۲. طمع در زندگی زنان:

در بررسی فرهنگ اقتصادی دوره قاجار، مسئله‌ی زنان و نقش آن‌ها در تحولات اجتماعی و اقتصادی کمتر مورد توجه قرار گرفته است، اما شواهد موجود در مطبوعات این عصر، به روشنی نشان می‌دهد که زنان نیز در پیوندی پیچیده با اقتصاد،

مقاله پژوهشی

بخشی از تحولات فرهنگی این دوره را شکل داده‌اند. مطبوعات با انتشار اخباری درباره‌ی زنان طمّاع و یا زنانی که قربانی طمع‌کاری افراد قرار گرفته بودند، این رویکرد را به جامعه منتقل می‌کردند که فساد اقتصادی، محدود به جنسیت خاصی نیست و ممکن است همه‌ی اقشار، گرفتار چنین رفتارهایی گردند. همچنین از بین رفتن اخلاق و اخلاق‌مداری در برخی از این اخبار وجود دارد که شیوع طمع در قشر زنان را، به شدت نقد می‌کند.

در مورد زندگی زنان در سه دسته بندی می‌توان به موضوع پرداخت: ۱. سرقت‌های طمع محور ۲. نگاه کالاگونه به زن ۳. ازدواج‌هایی بر اساس طمع‌کاری و فرهنگ مادی‌گرایی. مورد دوم و سوم که عنوان شد مطابق با نظریه‌ی طمع «گئورگ زیمل» هستند؛ وی در کتاب فلسفه‌ی پول و در بحثی در مورد طمع، به مطالبی در مورد زندگی زنان پرداخته است. در بخش «ازدواج خریدنی» معتقد است، وضعیت پول در دوره‌ی مدرن مطابق با وضعیت‌های قدیمی‌تر است (مثل دوره‌ی قاجار در پژوهش حاضر)، طبق این نظر تحولی که مرتبط با «ازدواج پولی زنان بود اجازه داد تا کل وجود شخص مبادله شود». از نظر او این نوع ازدواج‌های طمع‌کارانه در سطوح بالاتر فرهنگ اتفاق نمی‌افتادند (زیمل، ۱۴۰۰: ۳۹۱-۳۹۰). همچنین در بخشی با تیتیر «ازدواج برای پول» به طور جزئی موضوع طمع را هدف قرار داده و معتقد است این نوع ازدواج‌های اقتصادی در همه‌ی دوره‌ها و در همه‌ی مراحل توسعه وجود داشته است. زیمل از جمله آسیب‌های فرهنگی این نوع ازدواج‌ها را ایجاد جفت‌یابی تصادفی، تحقیر زوجین و پنهان نگه داشتن انگیزه‌ی اقتصادی می‌داند (همان: ۴۰۳-۴۰۲). در واقع این موضوع در بطن هر جامعه‌ای وجود داشت؛ نظریه پردازانی همچون گئورگ زیمل نیز این موضوع را بررسی کرده و نظریه خویش را بر اساس آن منطبق کرده‌اند. در نتیجه باید گفت این موضوع فرهنگ وارد شده از غرب نبود، بلکه در بطن جامعه بر اساس باورهای اقتصادی امکان ظهور داشت ولی در افراد مختلف، دارای شدت متفاوتی بود. در واقع نظریه‌ی زیمل در این موضوع خاص می‌تواند تا حدودی برای جامعه‌ی ایران به کار گرفته شود.

در قسمت اول اخبار زنان طمع‌کار را آورده و سپس به تفسیر ازدواج‌های پولی نیز خواهیم پرداخت. نمونه‌هایی از مطبوعات در نقد طمع‌ورزی مرتبط با زنان، به مواردی از زنان مستأجر اشاره دارد که اقدام به سرقت اموال مالک کرده و سپس از محل گریخته‌اند، به طوری که یافتن آن‌ها دشوار بوده است (ایران نو، ۱۳۲۷ق، ش ۹۲، ج ۱: ۲)، یا مواردی از قبیل دزدیدن اشیای خانه توسط دختر خدمتکاری که با لباس مردانه در پی فرار بوده است (خلاصه الحوادث، ۱۳۱۶ق، شماره ۶۷: ۱). این دو خبر موارد کوتاهی بودند که در این موضوع ذکر شده بودند ولی بیشتر موارد اشاره به آسیب‌های اجتماعی و ازدواج‌ها دارد و نشان می‌دهد موضوع زنان در مطبوعات از جمله اخبار مهم و قابل توجه بوده است.

در مورد طمع‌هایی که به آسیب‌های اجتماعی منجر شده است، می‌توان به اخباری از روزنامه ایران نو اشاره کرد؛ این خبر نمایانگر نوعی نگرش کالاگونه برخی زنان نسبت به همجنسانشان است که پیامدهای منفی اجتماعی به‌همراه داشت. خبر مربوط به فردی به نام منوچهر از اهالی گروس است که به قصد سفر مشهد به شهر تهران می‌آید. او همراه با خانواده خود به خانه زنی به نام گوهر تاج وارد می‌شود؛ این زن به او پیشنهاد می‌دهد که دخترانش را نزد او بگذارد تا تربیت کند. پس از مدتی، منوچهر به تهران بازمی‌گردد و متوجه می‌شود که خانه توسط صاحب خانه ترک شده است؛ او با نگرانی به کمیسری مراجعه می‌کند و سرانجام موضوع مشخص می‌شود: گوهر تاج یکی از دختران را به محله دولت، نزد زنی از وابستگان ناصرالدین شاه، به مبلغ ۳۱ تومان و دیگری را در شهر نو فروخته بود. البته منوچهر با کمک کمیسری موفق شده بود دخترانش را

مقاله پژوهشی

بازگرداند (ایران نو، ۱۳۲۷ق، ش ۱۶، ج ۱: ۲). طبق این خبر طمع ورزی باعث شده دختری کوچک مجبور به انجام خدمات غیر اخلاقی در محله‌ی نو گردد و عصمت او به علت طمع زنی دیگر بر باد رفته است. چنین اخباری، عواقب طمع کاری را در شکل آسیب‌های اجتماعی نشان می‌دادند.

موضوع طمع در مورد ازدواج نیز فرهنگ و سنت را به چالش می‌کشد. در این دوره ازدواج تبدیل به یک معامله شده بود. زنان از طریق ازدواج با مردان ثروتمند، در پی کسب منفعت مالی بودند؛ البته این مورد در مردان نیز به اثبات می‌رسید. در گزارشی از روزنامه ادب، همسر استاد محمد باقر بنا، با همکاری پسران شوهر سابق خود، خانه را فروخته و مبلغ ۶۰ تومان دارایی شوهر را تصاحب کرده بود (ادب، ۱۳۲۱ ق، ش ۳۰، ج ۲: ۶). رایج بودن این موضوع به شدت نقد شده و نمونه‌های مشابه نیز جهت تقبیح آن ذکر شده بود ولی موضوع طمع، نشان از نبود فرهنگ رضایتمندی نسبت به دارایی‌ها بود؛ برای نمونه زنی که از نیت همسرش برای ازدواج مجدد مطلع شده بود، برای جلوگیری از این تصمیم، دارایی شوهر را صرف برگزاری مهمانی‌های گسترده می‌کرد تا پولی برای ازدواج مجدد شوهر باقی نماند (دهخدا، بی تا: ۳۱).

در موارد دیگر مردان طمع کار نیز تصویر شده اند. مردانی که برای ثروت زن با او ازدواج می‌کردند. یکی از نمونه‌ها مربوط به جوانی است که با زنی ثروتمند ازدواج کرده بود تا دارایی‌های او را تصاحب کند (ادب، ۱۳۲۱ ق، ش ۲۹، ج ۱: ۶-۵)، یا موردی که یک مرد با گرفتن وکالت‌نامه از زن بی سواد، او را به ازدواج اجباری وادار ساخته بود تا ثروت او را تصاحب کند (دهخدا، بی تا: ۸۱). در هردوی این اخبار، طمع به عنوان ارزشی غیر اخلاقی نقد شده بود. طمعی که ازدواج‌هایی نه بر اساس میل و علاقه قلبی، بلکه بر اساس سود و منفعت طلبی شکل می‌داد. اما نمونه‌های دیگری نیز وجود دارد که طمع را ترویج می‌کردند؛ به عنوان نمونه اعلان «نامه بانوان» در مورد درخواست معرفی دختری برای ازدواج با کارمند بانک-با حقوق ۸۰ تومان، یکی از این موارد است. همچنین به معرف ازدواج نیز ۲۵ تومان پرداخت می‌شد (نامه بانوان، ۱۳۳۹ ق، ش ۹: ۸). این آگهی نشان می‌دهد موضوع معرفی افراد برای ازدواج نیز از جمله مسائلی بود که باعث ایجاد طمع می‌شد. این امر لزوماً همیشه نتیجه مثبتی به همراه نداشت، چرا که ممکن بود طمع ناشی از دریافت پول واسطه‌گری، منجر به معرفی افراد نامناسب به یکدیگر شود. برخی از ازدواج‌ها برای امور مالی انجام می‌شد ولی گاهی این طمع ورزی باعث می‌گردید سرنوشت تاریکی برای برخی زنان رقم بخورد.

۳. پیشنهادهای فرهنگی؛ از آموزش تا فرهنگ پذیری:

مطبوعات دوره مورد بررسی، پس از برجسته کردن آفات طمع در زندگی روزمره، درصدد ارائه راهکارهایی آموزشی و تربیتی بودند تا جامعه به سوی سلامت رفتاری گام بردارد. این راهکارها عمدتاً در دو حوزه بودند: ۱. راهکارهای تربیتی برای کودکان ۲. توصیه‌هایی به زنان. این موارد به علت اهمیت ویژه‌ی تربیت کودکان و نقش زنان در خانواده، به عنوان دو محور اصلی مطرح شده بود.

۳-۱. تربیت کودکان:

مقاله پژوهشی

برخی مطالب منتشر شده در مطبوعات حاوی نکات تربیتی و راهکارهای کنترل پول‌پرستی در کودکان بودند. این مقالات بر آموزش صحیح مدیریت مالی از همان دوره کودکی تاکید داشتند تا نسل جدید با درک ارزش پول و پرهیز از اسراف، برای زندگی آینده آماده شود. مثلاً روزنامه «شاهنشاهی» معتقد بود که اسراف بخشی از ذات کودکان است و در سنین جوانی ممکن است این رفتارها منجر به استفاده نادرست از پول شود. بر این اساس، توصیه می‌کرد کودکان طمع را کنترل کرده و مهارت خرج کردن را بیاموزند. از جمله راهکارهای ارائه شده، اختصاص وظایف کوچک به کودکان، با پرداخت دستمزد و تشویق آن‌ها به پس انداز بود (شاهنشاهی، ۱۳۲۴ق، ش ۱۹: ۳-۴).

روزنامه ادب نیز به اهمیت آموزش فرزندان برای پرهیز از وابستگی مالی به والدین و شروع فعالیت اقتصادی از جوانی اشاره داشت؛ در این مورد هدف ترویج کسب حلال بود. در این نمونه داستان «حاجی زین العابدین توفیق» که پسر یک کفاش بود و با توصیه‌های پدرش، توانسته بود به بنای ماهرگی تبدیل گردد، بیان شده بود (ادب، ۱۳۱۸ق، ش ۶: ۳-۲). این توصیه‌ها در مورد تربیت کودکان، راهکاری برای پایان چالش‌های اخلاقی طمع‌کارانه در جامعه بود که توسط مطبوعات ترویج می‌شد.

۲-۳. توصیه به زنان:

توصیه به زنان شامل پرهیز از پول‌پرستی، توصیه به قناعت و هماهنگی درآمد و هزینه‌ها بود؛ این موضوع می‌توانست به مدیریت صحیح مالی و کنترل طمع کمک کند تا موضوع به آسیب‌های اجتماعی منجر نگردد (زبان زنان، ۱۳۳۸ق، ش ۳۱: ۳).

رویکرد بعدی، هشدار در مورد طمع‌های افراطی از جمله خریدهای تجملی بود. در این رویکرد زندگی زنان ساده‌زیست و اشراف با پوشش‌های ساده تبلیغ می‌شد (ادب، ۱۳۱۹ق، شماره ۲۱، ج ۱: ۷-۶). هدف از این نوع توصیه‌ها، ایجاد الگو برای زنان، حفظ تعادل، تبلیغی از فرهنگ ساده‌زیستی، دوری از اسراف و قناعت نیز بود. مثلاً قناعت در خرید لباس یکی از موارد مهم بود که توسط مطبوعات ترویج می‌شد (انجمن تبریز، ۱۳۲۴ق، ش ۴۱: ۴؛ دانش، ۱۳۲۸ق، ش ۲: ۷). هدف از این توصیه‌ها نیز پیشگیری از جرم و جنایت، به علت شیوع طمع‌های افراطی در زنان بود. همان‌گونه که در مطالب بالا بدان اشاره کردیم، برخی از زنان این دوره در زندگی فردی و اجتماعی به طمع روی آورده بودند که این موضوع باعث ایجاد جرایم مختلف نیز شده بود.

در مواردی، برخی مطبوعات مانند ایران نو از روش‌های تشویقی استفاده می‌کردند؛ از جمله گزارش‌هایی درباره زنانی که پول‌های گمشده را به نهادهای رسمی تحویل می‌دادند (ایران نو، ۱۳۲۸ق، ش ۸۱، ج ۳: ۳). این اقدام موجب افزایش اعتبار اجتماعی افراد شده و انگیزه‌ای را برای اصلاح رفتارهای اخلاقی ایجاد می‌کرد. به طور کلی این اعلان‌ها در دو گروه قابل تقسیم‌بندی هستند: ۱. اعلان شناسایی صاحب پول توسط افرادی که پول را پیدا کرده بودند. ۲. اعلان خود صاحبان پول که به دنبال پول گمشده بودند (صور اسرافیل، ۱۳۲۶ق، ش ۲۴: ۸). جز مورد بالا که به یک زن در این خبر اشاره دارد، بقیه‌ی اخبار فارغ از جنسیت، به دنبال اصلاح کلی جامعه و کنترل طمع هستند (آفتاب، ۱۳۳۰ق، ش ۵۵: ۳).

البته در برخی اعلان‌ها نیز از تحویل پول تقدیر شده بود؛ مثل روزنامه‌های آفتاب و تبریز که اعلان‌هایی در این خصوص درج کرده بودند. روزنامه‌ی آفتاب با درج اطلاعات دقیق، مطلب را اعلام کرده بود: «پول را تحویل کمیسیاریای نمره

مقاله پژوهشی

۸ بازار کرده کمیساریا به توسط غلامعلی خان آژان نمره ۵ تحویل منزل آقای عمادالدوله نموده قبض رسید گرفته است (آفتاب، ۱۳۳۳ ه.ق، شماره ۲۸۶: ۲). نمونه مشابه در روزنامه‌ی تبریز درج شده است؛ خبر مربوط به فردی به نام «خدر» است که ۶۵۰ تومان پول کاغذی در بازار گم کرده بود «ابراهیم طبیحی آن را یافته و به کمیسر نمره ۱۱ آورده و صاحب پول با دادن نشانی و قبض رسید پول» را دریافت کرده بود (تبریز، ۱۳۲۹ ق، شماره ۴۳: ۲). این اخبار موضوع را فراتر از جنسیت به کل جامعه سرایت داده‌اند، ولی در اخباری از جمله مورد اول که ذکر شد، به زنان نیز اشاره شده است.

طبق بررسی، پیشنهادهای فرهنگی از طریق آموزش کودکان و توصیه به زنان مطرح می‌شد و مطبوعات با هدف فرهنگ‌سازی تلاش می‌کردند به شکل‌گیری جامعه‌ای بر اساس قناعت و عاری از تجمل‌گرایی کمک کنند.

۴. طمع در شکل نمادین:

یکی از رویکردهای برجسته در مطبوعات دوره مورد بحث، استفاده از نمادها و طنز در جهت نقد طمع در جامعه بود. مطبوعات با این رویکرد در تلاش بودند با روش‌های غیرمستقیم و با شیوه فرهنگی، طمع را مورد نقد قرار دهند. یکی از این روش‌ها استفاده از قالب دیالوگ محور بود. برخی از مطبوعات، با مطالب و کاریکاتورهایی در تلاش بودند به ریشه‌یابی طمع بپردازند؛ هدف مطبوعات از ذکر طمع به صورت نمادین و ذکر مثال‌ها این بود که اوضاع اقتصادی جامعه را به تصویر بکشند. مشکلات متعدد در قالب این مثال‌ها ذکر و بیان می‌شد؛ مشکلاتی اعم از گرفتن پول زور، از جمله این موارد است که در مقاله‌ای از روزنامه افلاطون ذکر شده است. مطلبی دیالوگ محور بین پزشک و بیمار که به خو گرفتن بیمار به خوردن مال مردم اشاره دارد؛ در این کاریکاتور، بیمار فردی پرخور توصیف شده و دنبال راه درمان است و پزشک درمان را دارویی می‌داند که با پول مردم خریداری گردد (افلاطون، ۱۳۲۸ ق، ش ۱: ۶).

روش دوم استفاده از زبان طنز بود؛ برای نمونه، روزنامه کشکول از اعلان‌های طنز استفاده می‌کرد تا وضعیت آشفته‌ی شهر و ناکارآمدی مسئولان را نمایش دهد. تعیین مزدگانی برای یافتن «نصف میدان توپخانه» یا «دیوار خانه حفظ الملک» کنایه‌ای به وضعیت مملکت و طمع گسترده‌ی افراد برای استفاده از منابع کشور بود (کشکول، ۱۳۲۵ ق، ش ۸: ۴). استفاده از عبارت «حلال مشتلق» در این آگهی نشان می‌دهد که موضوع به صورت جدی - نه صرفاً طنزآمیز - مطرح شده بود. همچنین در شماره‌های بعدی مشتلق‌هایی برای یافتن «فوج خلج قم» و یافتن قطعه زمینی در کوچه‌ی عباس آباد تعیین شده بود (کشکول، ۱۳۲۵ ق، ش ۱۴: ۲). هدف از درج این اخبار در مطبوعات اشاره به اوضاع طمع‌کاری افراطی و غصب اموال افراد بود.

اوضاع سخت سیاسی نیز در این موارد اشاره شده است؛ مثلاً عدم عملکرد قابل قبول وزیر عدلیه، وزیر تجارت و سپهسالار بیان شده که اشخاصی که این افراد را در مصدر امور ببابند، به مزدگانی خواهند رسید (کشکول، ۱۳۲۵ ق، ش ۱۷: ۲). اوضاع اقتصادی نیز به صورت نمادین نقد شده است. دیالوگ گفتگوی سه نفر در دکان نانوايي و اشاره به نبود نان از جمله‌ی این مسائل است؛ فردی به اوضاع سخت نبود نان و خوردن شیر برنج به جای نان، اشاره دارد و فرد بعدی انتظار طولانی برای دریافت نان را مورد نقد قرار داده است؛ فرد سوم طمع در گرفتن نان دارد و ادعا می‌کند پول بیشتری برای دریافت نان به فرد اول پرداخت خواهد کرد، ولی موضوع مورد قبول واقع نمی‌شود (کشکول، ۱۳۲۵ ق، ش ۶: ۱). موضوع ساده -

ی طمع در خرید نان، یکی از مسائلی است که نشان می‌دهد جامعه‌ی این عصر، جامعه‌ای با اقتصاد فرسوده بود که مشکلاتی از جمله کمبود نان را تجربه می‌کرد.

مورد بعدی نقد طمع در تمام امور است، بدین معنا که برخی مسائل را نمی‌توان صرفاً با طمع و پول پیش برد؛ در این داستان، مردی پولدار نوشته‌ای در دست طبیبی می‌بیند و از او می‌پرسد: «این چیست؟» طبیب پاسخ می‌دهد: «دیپلم است». فرد پولدار تصمیم می‌گیرد این دیپلم را بخرد، اما طبیب به او می‌گوید که برای به دست آوردن این مدرک باید ده سال زحمت کشید و نمی‌توان با پول آن را خرید (کشکول، ۱۳۲۵ق، ش ۱۲: ۳). چنین مطالبی تلاش مطبوعات برای ایستادگی در مقابل فرهنگ طمع را نشان می‌دهند.

چنانچه عنوان شد، مطبوعات با استفاده از روش‌های نمادین و طنز، در تلاش بودند انواع طمع در ساختارهای مختلف را نقد کرده و واقعیت جامعه را به تصویر بکشند.

نتیجه

مطبوعات این دوره در بخش‌هایی با بیان ارزشمندی پول و لزوم به‌کارگیری پول در راه درست، به رویکرد مثبت نسبت به پول می‌پرداختند ولی رفتارهای طمع‌کارانه، به خصوص در زندگی روزمره را نقد می‌کردند. همچنین با شیوه‌های هشدار محور در تلاش بودند افراد را از وجود کلاهبرداری‌ها، تقلب‌های شغلی و سرقت‌های روز مطلع کنند. تمام این موارد نمونه‌هایی از نحوه‌ی بازتاب اخبار در موضوع طمع بود اما مطبوعات روش تربیتی را نیز در پی گرفته بودند و در تلاش بودند نسل آینده را به قناعت و کسب روزی حلال تشویق کنند. روش دیگر مطبوعات برای نقد فرهنگ پول پرستانه در زندگی روزمره، استفاده از طنز و نمادها بود که با پیام‌های تربیتی درصدد کاهش طمع بودند. مورد بعد توجه به روش‌های تربیتی همچون توصیه به والدین برای تربیت نسل جدید و هشدار به زنان برای مدیریت طمع بود.

بررسی مطالب و گزارش‌های مطبوعات دوره قاجار در بازه زمانی بین سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۳۹ق، نشان می‌دهد که طمع‌ورزی در زندگی روزمره مردم ریشه‌دار شده و تاثیر زیادی بر روی مناسبات فردی و اجتماعی داشته است؛ با این حال، مطبوعات این دوره منعکس‌کننده نمونه‌هایی از این رفتارها در میان بخشی از جامعه شهری و در بازه زمانی خاصی بودند و نمی‌توان آراء و نقدهای مطبوعات را به کل ایران تعمیم داد، ولی می‌توان به خط فکری مطبوعات و نحوه انعکاس اخبار و شیوه‌های فرهنگی در برخورد با افراد طمعکار پی برد.

بازتاب طمع در مطبوعات با مطرح شدن طمع به عنوان عامل مشکلات و آسیب‌های اجتماعی همچون شیوع سرقت، قمار، نگاه کالاگونه به زنان و سوءاستفاده‌های شغلی نیز همراه بود. مطالب در تلاش بودند تا شگرد افراد طماع را به اطلاع افراد برسانند تا با هشدار به جامعه، فرهنگ قناعت و پرهیز از طمع را ترویج کنند. مطالب مطبوعات با نظرگئورگ زیمل در مورد طمع و ازدواج‌های طمع‌کارانه انطباق داشتند و به نظر می‌رسد نظریات زیمل در این بخش می‌تواند منطبق با دوره‌ی قاجار نیز باشد.

در مجموع، یافته‌ها نشان می‌دهد مطبوعات دوره‌ی قاجار از سه شیوه‌ی اصلی هشداردهنده، انتقادی و تربیتی برای بازتاب و نقد اخبار طمع بهره برده‌اند. هرچند مطبوعات به اهمیت کنترل طمع در تحکیم بنیان‌های اخلاقی و کاهش آسیب‌های اجتماعی اشاره داشتند، اما باید توجه داشت که شرایط اقتصادی و اجتماعی متنوع ایران در این دوره سبب شد طمع در میان گروه‌ها و مناطق گوناگون، جلوه‌های متفاوتی بیابد. نمونه‌هایی چون طمع در مرگ و میر، سوءاستفاده‌ی غسالان یا فروش

مقاله پژوهشی

دختران در اخبار روزنامه‌ها، مصادیق افراد طمع‌کار بود که در مطبوعات بازتاب یافته و گاه با واکنش‌های قانونی همراه شده بود، ولی در عین حال این اخبار نمونه‌ای از یک جامعه بودند نه تمام آن، در نتیجه مطبوعات فقط به عنوان منابعی که اخبار را منعکس می‌کردند و خط فکری نویسندگان را ترسیم می‌کردند، می‌توانند مورد رجوع قرار بگیرند.

تضاد منافع

بدین‌وسیله نویسندگان اعلام می‌دارند که هیچ نفع متقابلی از انتشار این مقاله ندارند.

تشکر و قدردانی (اختیاری)

منابع

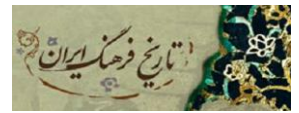
- آقازاده، جعفر، (۱۴۰۳). «عدالت شاه در فرهنگ سیاسی عصر قاجار». تاریخ فرهنگ ایران، دوره ۱، شماره ۲.
- استوار، مجید؛ اصغری کلشطلشانی، نقی (۱۴۰۴). «نقش تاسیسات تمدنی جدید بر تغییرات فرهنگی در ایران عصر قاجار»، تاریخ فرهنگ ایران، دوره ۲، شماره ۱.
- انوری، حسن (۱۳۸۲). فرهنگ بزرگ سخن، ج ۲، تهران: سخن.
- ایزدی، حسین (۱۳۷۷). «اولین محاکمه رسمی یک روزنامه‌نگار در ایران»، انقلاب اسلامی، سال ۱، شماره ۱.
- بیاتلو، حسین (۱۳۹۸). «معضلات اجتماعی عهد ناصری در رساله قانون قزوینی با تأکید بر شاخص سرقت» تاریخ و تمدن اسلامی، سال ۱۵، شماره ۳۰.
- پوربختیار، غفار (۱۴۰۲). «بررسی شیوه‌ها و شگردهای سارقان و استرداد اموال مسروقه در ایران عصر قاجار»، فصلنامه علمی مطالعات تاریخ انتظامی، سال ۱۰، شماره ۳۶.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۵۲). امثال و حکم، ج ۲ و ۳، تهران: چاپخانه سپهر.
- دهخدا، علی اکبر (بی‌تا). چرند و پرند، بی‌جا: ناشر معرفت.
- زیمیل، گئورگ (۱۴۰۰). فلسفه پول، ترجمه جواد گنجی، تهران: مرکز.
- جامی، نورالدین عبدالرحمن بن احمد (۱۳۷۸). مثنوی هفت اورنگ: سلسله الذهب، سلامان و ابسال، تحفه الاحرار و سبحة الابرار، تصحیح جابلقا دادعلیشاه و دیگران، ج ۱، تهران: مرکز مطالعات ایرانی.
- جلالی، نادره (۱۳۸۹). تاریخ مطبوعات و احزاب سیاسی در عصر قاجار، تهران: پیام نور.
- جمال زاده، سید محمد علی (۱۳۴۱). فرهنگ لغات عامیانه، به کوشش محمد جعفر محبوب، تهران: فرهنگ ایران زمین.
- جمال زاده، محمدعلی (۱۳۳۵). گنج شایگان یا اوضاع اقتصادی ایران، برلین: کلوپانی.
- حکیم خراسانی، رضا (۱۳۸۴). فرهنگ واژه‌های عامیانه در دوره قاجار، تصحیح سید علی آل داوود، تهران: نامه فرهنگستان.
- ساوجی، سلمین (۱۳۷۶). کلیات سلمان ساوجی، تصحیح عباسعلی وفائی، تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- سرنا، کارلا (۱۳۶۲). آدمها و آیینها در ایران، ترجمه علی اصغر سعیدی، بی‌جا: زوآر.
- سعدی، ابومحمد مشرف الدین (۱۳۷۱). بوستان، به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران: صفی علیشاه.
- سعدی، ابومحمد مشرف الدین (بی‌تا). غرلیات سعدی، تصحیح محمدعلی فروغی (ذکاءالملک)، تهران: اقبال.

مقاله پژوهشی

- شیل، مری (۱۳۶۸). خاطرات لیدی شیل: همسر وزیر مختار انگلیس در اوائل سلطنت ناصرالدین شاه، تهران: نو.
- صائب تبریزی، میرزا محمد علی (۱۳۶۷). به کوشش محمد قهرمان، ج ۲، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۲). تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار، ۱۳۳۲-۱۳۱۵ ه.ق)، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر گستره.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۹۱). شاهنامه، گردآوری پژمان پورحسین، بی جا: نسخه الکترونیک.
- قزوینی، محمد شفیع (۱۳۷۰). قانون قزوینی: انتقاد اوضاع اجتماعی ایران دوره ناصری به همراه رساله پیشنهادی برای اصلاح امور مملکت، به کوشش ایرج افشار، بی جا: طلایه.
- کامیاب، مریم (۱۳۹۷). جریده نگاران: کارکردهای ادبیات مطبوعاتی در مشروطه ایرانی، تهران: فلات.
- کدیور، پریسا (۱۴۰۳). جامعه نگاری عهد قاجار: تاریخ اجتماعی و زندگی روزمره مردم در دوران قاجار، تهران: ققنوس.
- کسروی، احمد (۱۳۸۵). تاریخ مشروطه ایران، تهران: نگاه.
- مته‌رودی، فلور، ویلم و کلاوسون، پاتریک (۱۳۹۶). تاریخ پولی ایران از صفویه تا قاجاریه، ترجمه جواد عباسی، تهران: نامک.
- هدایت، مهدی قلی (بی تا). گزارش ایران: از مظفرالدین شاه تا احمد شاه، ج ۲، بی جا.
- مجدالملک، میرزا محمد خان (۱۳۲۱). رساله مجدی، تصحیح سعید نفیسی، تهران: چاپخانه بانک ملی ایران.

روزنامه ها:

- آئینه غیب نما (۱۳۲۶ ق). ش ۲۹، دوشنبه سیزدهم صفر المظفر.
- آذربایجان (۱۳۲۵ ق). شماره ۱۱، ۲۲ ربیع الاول.
- آفتاب (۱۳۳۰ ق). شماره ۵۵، چهارشنبه ۱۰ رجب المرجب.
- آفتاب (۱۳۳۳ ق). شماره ۲۸۶، شنبه ۱۷ صفر المظفر.
- افلاطون (۱۳۲۸ ق). سال ۱، شماره ۱، سه شنبه ۲۶ رجب المرجب.
- ادب (۱۳۱۸ ق). سال ۱، شماره ۶، ۹ شوال.
- ادب (۱۳۱۹ ق). شماره ۲۱، ۲۶ محرم.
- ادب (۱۳۱۹ ق). شماره ۲۷، نهم ربیع الاول.
- ادب (۱۳۲۱ ق). سال ۳، شماره ۲۹، دوشنبه ۲۸ شعبان المعظم.
- ادب (۱۳۲۱ ق). سال ۳، شماره ۳۰، دوشنبه ۱۲ شعبان.
- انجمن تبریز (۱۳۲۴ ق). شماره ۴۱، ۲۵ ذیحجه الحرام.
- ایران نو (۱۳۲۷ ق). سال ۱، شماره ۹، جمعه ۱۷ شعبان المعظم.
- ایران نو (۱۳۲۷ ق). سال ۱، شماره ۱۰، شنبه ۱۹ شعبان المعظم.
- ایران نو (۱۳۲۷ ق). شماره ۱۶، یکشنبه ۲۶ شعبان المعظم.
- ایران نو (۱۳۲۷ ق). شماره ۲۵، چهارشنبه ۶ رمضان المبارک.
- ایران نو (۱۳۲۷ ق). شماره ۲۶، پنجشنبه ۷ رمضان المبارک.
- ایران نو (۱۳۲۷ ق). شماره ۳۶، شنبه ۲۳ رمضان المبارک.
- ایران نو (۱۳۲۷ ق). شماره ۳۹، سه شنبه ۲۶ رمضان المبارک.
- ایران نو (۱۳۲۷ ق). شماره ۸۰، پنجشنبه ۱۸ ذی القعدة الحرام.
- ایران نو (۱۳۲۷ ق). شماره ۹۰، چهارشنبه غره ذی الحجه الحرام.
- ایران نو (۱۳۲۷ ق). شماره ۹۲، شنبه ۴ ذی الحجه الحرام.
- ایران نو (۱۳۲۸ ق). شماره ۱۳۷، پنجشنبه ۸ صفر المظفر.
- ایران نو (۱۳۲۸ ق). شماره ۱۹۷، جلد ۲، شنبه ۲۶ ربیع الثانی.



- ایران نو (۱۳۲۸ق). شماره ۸۱، جلد ۳، دوشنبه ۲۸ محرم الحرام.
- ایران نو (۱۳۲۸ق). شماره ۱۳۷، جلد ۳، پنجشنبه ۸ صفرالمظفر.
- الجمال (۱۳۲۵ق). شماره ۳، پنجشنبه ۱۳ صفرالمظفر.
- پلیس ایران (۱۳۲۹ق). سال ۲، شماره ۴۳، نمره مسلسل ۵۱۶، شنبه ۱۵ رمضان.
- تبریز (۱۳۲۹ق). شماره ۴۳، شنبه ۱۵ ربیع الآخر.
- ترقی (۱۳۲۵ق). شماره ۹، سه‌شنبه ۲۳ ربیع الاول.
- تمدن (۱۳۲۶ق). شماره ۵۸، یکشنبه ۱۹ صفرالمظفر.
- دانش (۱۳۲۸ق). شماره ۲، پنجشنبه ۲۴ رمضان المبارک.
- زبان زنان (۱۳۳۸ق). سال ۲، شماره ۳۱، شنبه ۹ شوال.
- شاهنشاهی (۱۳۲۴ق). شماره ۱۹، سه‌شنبه ۵ ربیع الثانی.
- خلاصه الحوادث (۱۳۱۶ق). شماره ۶۷، سه‌شنبه ۱۸ رمضان المبارک.
- صوراسرافیل (۱۳۲۶ق). شماره ۲۴، پنجشنبه ۲۴ محرم.
- فرهنگ (۱۳۰۴ق). سال ۱۱، شماره ۴۷۴، ج ۳، پنجشنبه ۲۹ شوال.
- فرهنگ (۱۳۰۴ق). سال ۱۱، شماره ۵۱۳، ج ۳، دوشنبه ۱۹ ربیع الاول.
- کشکول (۱۳۲۵ق). شماره ۶، پنجشنبه ۲۰ ربیع الاول.
- کشکول (۱۳۲۵ق). شماره ۸، شنبه ۱۲ ربیع الثانی.
- کشکول (۱۳۲۵ق). شماره ۱۲، شنبه ۲۴ جمادی الاول.
- کشکول (۱۳۲۵ق). شماره ۱۴، شنبه ۱۶ جمادی الثانی.
- کشکول (۱۳۲۵ق). شماره ۱۷، شنبه ۱۴ رجب المرجب.
- نامه بانوان (۱۳۳۹ق). شماره ۹، ۵ جمادی الثانی.
- ناصری، (۱۳۱۴ق). س ۳، شماره ۱۸، دوشنبه ۲۱ ربیع الاول یجی نیل.
- ندای اسلام (۱۳۲۵ق). شماره ۲۲، جمعه ۲۳ جمادی الاول.
- ندای اسلام (۱۳۲۵ق). شماره ۲۷، جمعه ۱۳ رجب.